



آیندنگری شرایط و لوازم خاص دارد و آیندنگران علاوه بر تخصصی که دارند معمولاً از اطلاعات و معلومات تاریخی، علمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برخوردارند ولی آیندنگری نه یک تخصص است و نه داشتن علم و اطلاعات برای رسیدن به آن کافی است. این معلومات و اطلاعات باید با خوداگاهی به امکان‌های کشور و توانایی‌های مردمی که باید آینده را بسازند توأم شود. اینجاست که آیندنگری نسبتی با فلسفه پیدا می‌کند. این نسبت همیشه پیدا نیست زیرا بسیاری از آیندنگران در ظاهر سر و کاری با فلسفه ندارند اما اگر ذقت کنیم همه آنان درک و خردشان به درک فیلسوفان شباهت دارد. آیندنگران باید بگویند چه چیزها در آینده ممکن است روی دهد و برای روی دادن آنها چه کسانی چه کوشش‌هایی باید بکنند. تأمل در اینکه کارها و چیزها چگونه ممکن می‌شوند، کار فلسفه است و در گذشته از وضع کنونی بحث می‌شود. من هم سعی می‌کنم در این مجلس با بضاعت اندکی که دارم بگویم شرایط امکان آیندنگری چیست و در یک کشور چگونه می‌توان آیندنگری و برنامه توسعه داشت؟ در قدیم غیب‌گویی و پیشگویی بوده و گاهی بعضی از اهل علم در اموری مثل وقوع توفان و خسوف و کسوف و جزو و مد دریا و… پیش‌بینی‌هایی می‌کرده‌اند. آن پیش‌بینی‌ها شبیه به پیش‌بینی علم زمان جدید و از سنخ آنها بوده است. پیداست که در زمان ما پیش‌بینی علمی آسان‌تر و دقیق‌تر است و دامنه وسیع‌تری دارد. با قدری مسامحه می‌توان گفت پیش‌بینی علمی کنونی صورت تمامیت‌یافته پیش‌بینی‌های علمی گذشتگان است اما یک تفاوت اساسی میان این دو پیش‌بینی وجود دارد. گذشتگان معمولاً برای ساختن آینده پیش‌بینی نمی‌کردند و بر پیش‌بینی گذشتگان، آیندنگری و آیندسازی بنا نمی‌شد. گذشتگان به جای آیندنگری عقابت‌اندیشی داشتند. آنها به عقابت زمان و زمان آخرت می‌اندیشیدند و انتظارشان انتظار گشایش زمان دیگر بود اما آیندنگری کنونی علم به چیزهایی است که آنها را طی زمان می‌سازیم یعنی علم به اراده و توانایی خودمان

**سعید سیدحسین‌زاده**<sup>۱</sup>: بررسی تاریخ رشد و توسعه اقتصادی کشورها نشان می‌دهد ایجاد استحکام و مقاوم‌سازی بافت‌ها و ساختارهای اقتصادی، اصلی عقلمانی است که کشورهای مختلف با تکامل دانش اقتصادی خود به‌دنبال تحقق آن بوده‌اند. بدین مفهوم و با توجه به جهت‌گیری و اهداف متعالی اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران و اختلاف آن با جهت‌گیری تولید ثروت و مادی‌گرایی صرف در برخی کشورهای غربی، استفاده از نتایج موفقیت‌ها و شکست‌های سایر کشورها در جهت مقاوم‌سازی بافت‌های اقتصادی کشور، می‌تواند مفید و مؤثر واقع شود. در این یادداشت با بهره‌گیری از تاریخ اقتصاد و آمارهای رسمی، به ۳ تجربه تاریخی آمریکا که در مقاوم‌سازی و رشد اقتصادی این کشور تأثیر گذار بوده است، اشاره می‌شود.

۱- **ارتقای تولید و صنایع داخلی**

آمریکایابتداجزو مستعمرات بریتانیا محسوب‌می‌شد، سال ۱۷۱۹ مجلس عوام انگلیس اعلام کرد شکل‌گیری صنایع در آمریکا وابستگی آنها به بریتانیا را به‌خطر انداخته و باید از روند شکل‌گیری صنایع جلوگیری کرد. بدین منظور قوانینی برای مهار رشد صنایع در آمریکا تصویب شد که موجب تعطیلی بسیاری از صنایع گردید. با اعلام استقلال آمریکا از بریتانیا، سوال اساسی پیرامون وضعیت صنایع آمریکا و چگونگی حمایت از آن بود.

■ **راه رشد صنایع داخلی**
«همیلتون» نخستین وزیر خزانه‌داری آمریکا، به درخواست کنگره در سال ۱۷۹۱ گزارشی تهیه و استدلال کرد که به‌دلیل فشار رقابت از خارج و عادت مردم به مصرف کالاهای انگلیسی، صنایع تازه‌کار یا در شرف تأسیس در آمریکا نمی‌توانند به حیات خود ادامه دهند، مگر اینکه زبان‌های اولیه آنها به‌وعی توسط دولت جبران شود. وی ۱۱ گروه از اصول و روش‌های رشد صنایع و کارخانجات را پیشنهاد کرد که برخی از:

### در اهمیت آینده‌نگری در مدیریت و تدبیر کشور

# ما آینده خودمانیم

- رضا داوری‌اردکانی

آیندنگری درک امکان‌ها و توانایی‌هاست. اگر هم علم باشد علمی است که با آن امکان‌های عمل در بیرون و درون شناخته می‌شود یا بهتر بگویم درک و دریافت شرایط زندگی و علم و عمل به آزمایش جان است. اگر در جایی در زمان ما و بیشتر در جهان توسعه‌نیافته جامعه‌هایی هستند که آینده‌نارند نمی‌توانند داشته باشند، عجب نیست که گاهی آرزوها و سوداها را به جای آینده‌بگذارند. آیندنگری مطالعه توانایی در عمل است و آغازش وقتی است که یک کشور قدم در راه بگذارد و راه پیش روی خود را بباید و ببیماید. شاید‌هید که کسی در راهی می‌رفت و به شخصی‌که در ظاهر از حکمت و بهره‌نبود گفت مقصد من فلان شهر است! کی به آنجا می‌رسم؟ پاسخ مخاطب این بود که راه برو؛ مرد هرو مکدر شد و گفت من می‌پرسم کی به مقصد می‌رسم به من می‌گوید راه برو و راهش را گرفت و رفت. هنوز چند قدم رفته بود که مرد مقیم، مسافر را صدا کرد و به او گفت فلان وقت می‌رسی. مسافر تعجب کرد و اندیشید که باید با یک دیوانه طرف باشد (این امر نادری نیست که دل‌ناتریس و خردمندترین مردمان دیوانه خوانده می‌شوند و در مقابل گاهی ظاهر‌بینی و بر وفق فهم عام سخن گفتن را عقل و فهم می‌نگارند). به هر حال تا معلوم نباشد ما چگونه و با چه توانایی و سرعتی راه می‌رویم نمی‌توانیم بدانیم کی به مقصد می‌رسیم. درباره آیندنگری نیز مهم این است که داشته‌های خود را بشناسیم و مخصوصاً از توانایی‌های خود باخبر باشیم. فی‌المثل کشور ما امکان‌های فراوان داشته است و با اینکه بسیاری از آنها هدر رفته‌است هنوز هم امکان‌های بسیار دارد و با این امکان‌ها کار توسعه را می‌توان با برنامه‌ریزی پیش برد به شرط اینکه بدانیم از آنچه داریم در کجاو تا چه اندازه و برای چه مقصود بهره‌براری کنیم و همه اینها موقوف و موقوف به این است که به امکان‌ها، توانایی‌ها و توانایی‌های خود و سازمان‌های اداری، فرهنگی، علمی و پژوهشی‌مان واقف باشیم و بتوانیم میان شؤون گوناگون زندگی هماهنگی‌های لازم پدید آوریم. درست بگویم آیندنگری و برنامه‌ریزی مستلزم توأم شدن عزم و همت با علم و اطلاع از امکان‌های مادی و انسانی است. اکنون جامعه‌های بشری همه بدون استثنا به آیندنگری و برنامه‌ریزی نیاز دارند. از آغاز رنسانس تاقرن بیستم پیشرفت در تغییر و تسخیر جهان کم و بیش خود به خود و به نحوی هماهنگ صورت می‌گرفت. به این جهت تا حوالی آغاز دهه بیست قرن بیستم هیچ وقت برنامه اجتماعی- اقتصادی و به عبارت دیگر برنامه توسعه طراحی نشده بود. پیروان مارکس در روسیه نخستین برنامه توسعه را تدوین کردند (روی پیروان مارکس از آن جهت تأکید کرد که مارکس می‌خواست با انقلاب و نه با برنامه‌ریزی توسعه، بشر را بیگانه‌کشگی قرار نگرهتد بود و نویسنده حقیقی و طبعیت اصلی خود باز دارند). روسیه کشوری توسعه‌نیافته بود و تجدد در آنجا نه فقط سیر عادی نداشت بلکه با بزرگ‌ترین مانع مواجه شده بود. شاعران و نویسندگان روس پرسیده بودند این تجدد که در غرب پدید آمده است، چیست و چه در باطن دارد؟ که کشوری که تجدد در مسیر عادی قرار نگرهتد بود و نویسنده‌اش در باطن تجدد،نیست‌انگاری دیده‌بودند حکومت چه می‌توانست کرد؟

آمریکای بزرگ‌ترین مصرف‌کننده و سومین تولیدکننده نفت خام دنیااست. با فرارسیدن قرن ۲۱ وابستگی آمریکا به نفت وارداتی به بالاترین حد خود در طول تاریخ آمریکا رسید و این کشور در حال حاضر حدود ۴۹ درصد نفت مصرفی خود را از طریق واردات تأمین می‌کند. وابستگی به نفت وارداتی باعث آسیب‌پذیری اقتصادی آمریکا در ۴ دهه گذشته است رتبه سوم را به‌دست آورد.

۲- **کاهش وابستگی به واردات نفت**
آمریکای بزرگ‌ترین مصرف‌کننده و سومین تولیدکننده نفت خام دنیااست. با فرارسیدن قرن ۲۱ وابستگی آمریکا به نفت وارداتی به بالاترین حد خود در طول تاریخ آمریکا رسید و این کشور در حال حاضر حدود ۴۹ درصد نفت مصرفی خود را از طریق واردات تأمین می‌کند. وابستگی به نفت وارداتی باعث آسیب‌پذیری اقتصادی آمریکا در ۴ دهه گذشته است رتبه سوم را به‌دست آورد.

سال‌های ۱۹۷۳، ۱۹۷۴، ۱۹۷۶، ۱۹۹۰ و ۲۰۰۸ شد، بنابراین در سال‌های اخیر با انجام اقدامات مختلف سعی کرده

شود به این جهت شاید بتوان گفت آغاز آیندنگری و برنامه‌ریزی در طرح قوانین مضمّر بوده و در قرن بیستم سیاستگذاری برنامه‌ریزی صورت مذن پیدا کرده‌است. وقتی برنامه‌ریزی برای رفع مشکل فرهنگی و اجتماعی صورت قانونی و رسمی پیدا کرد در جاهای دیگر جهان هم که بحران‌هایی پدید آمد یا پیمودن راه توسعه دشوار شد سراغ برنامه‌ریزی رفتند. یعنی مطالعه کردند از چه طریقی باید بروند تا بر مشکل فائق آیند. جامعه جدید بیش از همه نظام‌های زندگی در تاریخ، گفتار تعارض و کشمکش‌های درون است و به این جهت مدام به وضع قوانین و برنامه‌های تازه نیاز دارد. این جامعه بر دو اصل شرایط روحی و اخلاقی نیز نباید چشم پوشید. مقصود از شرایط اخلاقی صرف موافقت رفتار و کردار مردمان با مبادی و اصول اخلاقی نیست بلکه توجه به‌اصل وحدتی است که هر جامعه‌ای با آن تعادل و توازن پیدا می‌کند زیرا اگر آن اصل وحدت نباشد و هر کس و هر گروه ساز خود بنوازد و در راه خود برود، جامعه و زندگی دچار پریشانی می‌شود. جامعه‌ای که رشته پیوند میان اجزا و شؤونش محکم باشد امکان برنامه‌ریزی بیشتر و آسان‌تر برایش فراهم می‌شود. توجه کنیم جامعه جمع جبری افراد نیست و همه جامعه‌ها امکان‌ها و توانایی‌های یکسان ندارند. در جامعه‌هایی که عقل‌ها، فهم‌ها و درک‌ها گسیخته است و رشته پیوندی میان شؤون آن وجود ندارد کار‌ها نیز برآکنده و آشفته‌است و برنامه‌ریزی و آیندنگری نیز قهراً دشوار و شاید غیرممکن یا بی‌حاصل شود. در جهان جدید قدرت و آزادی (قدرت و آزادی به یک اعتبار لازم و ملزوم یکدیگرند و به اعتبار دیگر در برابر هم قرار می‌گیرند) در اصل پیشرفت جمع شده و به تعبیر مستلزم اصل پیشرفت تعارض میان قدرت و آزادی را پوشانده است. جهان توسعه‌نیافته که می‌خواهد راه طی شده توسعه در غرب را ببیماید، نه با تکیه بر اصل قدرت و آزادی و پیشرفت راه می‌پوید و نه پیوندی استوار با عهد گذشته دارد هر چند گاهی می‌بنارند این هر دو یکی است. این پندار چندان بی‌وجه است و نیست زیرا ظاهری از هر دو برای خود نگاه داشته است و مهمتت امور ظاهری با هم تعارضی ندارند و در کنار هم قرار می‌گیرند بی‌آنکه منشا اثر مهمی باشند.وقتی اصول با جان نسبت نداشته‌باشد پای رفتن هم قوت ندارد و سختی‌های از نیز چنانکه باید در نظر نمی‌آید. آغاز آیندنگری در جهان در راه توسعه، مشروط به خوداگاهی به وضع موجود و درک مشکل‌ها و پذیرفتن ضعف‌ها و برعهده گرفتن رفع و حل مشکل‌هاست. دانشمندان معمولاً بسیار چیزها از وضع موجود و امکان‌های آینده می‌دانند اما این دانستن‌ها باید با درک و خوداگاهی گردانندگان چرخ علم، عمل، سیاست و توسعه کشور درآمزد. جای آیندنگری در پایتانی مراکز علمی نیست. آیندنگری با نظر به زندگی و وضع کوچک و بزرگ، مدرسه، کار، اشتغال و اخلاق عمومی صورت می‌گیرد و درستی و نادرستی آن با تحولی که در این اوضاع صورت می‌گیرد، اثبات می‌شود.

■ **منبع:نشریه فرهنگستان علوم، شماره ۵۷**
است میزان وابستگی خود به واردات نفت را کاهش دهد. این کشور به این نتیجه رسیده است که بهترین راه برای خودکفایی در انرژی، توسعه منابع غیرمتعارف نفتی نظیر ذخایر گاز رسی و نفت شیل است. همچنین در راستای کاهش وابستگی به واردات نفت اقدامات دیگری نظیر کاهش مصرف انرژی و جلوگیری از هدر رفتن آن و به تبع آن کاهش مصرف نفت، افزایش تولید داخلی شده و همچنین تحقق توسعه انرژی برای توسعه ظرفیت ملی قلمداد شده‌است. این موضوع سبب نگرانی‌ها در برنامه بلندمدتی برای سرمایه‌گذاری در تحقق توسعه تعبیه‌شود و مقرر شود سهم هزینه‌های تحقق توسعه به ۳ درصد تولید ناخالص داخلی آمریکا برسد. با توجه به توسعه روزافزون در فرآیند کسب‌وکار و جایگاه ویژه ابداعات و اختراعات در فعالیت‌های علمی این کشور، آمریکا در سال ۲۰۱۴ در جایگاه پنجم نوآوری در جهان قرار گرفت. همچنین از منظر شاخص رقابت‌پذیری اقتصاد که توسط مجمع جهانی اقتصاد در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ مطرح شده و مجموعه‌ای از عوامل تعیین‌کننده بهره‌وری در تولید، از جمله آمادگی‌های فناوریانه و ابداعات را مطرح می‌کند، ایالات متحده با بهره‌گیری از فناوری‌های بالا، کیفیت و هزینه بالای مؤسسات تحقیقاتی، تعامل بین صنعت و دانشگاه و وجود ظرفیت بالا برای ابداع، توانسته است رتبه سوم را به‌دست آورد.

۳- **کاهش وابستگی به واردات نفت**
آمریکای بزرگ‌ترین مصرف‌کننده و سومین تولیدکننده نفت خام دنیااست. با فرارسیدن قرن ۲۱ وابستگی آمریکا به نفت وارداتی به بالاترین حد خود در طول تاریخ آمریکا رسید و این کشور در حال حاضر حدود ۴۹ درصد نفت مصرفی خود را از طریق واردات تأمین می‌کند. وابستگی به نفت وارداتی باعث آسیب‌پذیری اقتصادی آمریکا در ۴ دهه گذشته است رتبه سوم را به‌دست آورد.

سال‌های ۱۹۷۳، ۱۹۷۴، ۱۹۷۶، ۱۹۹۰ و ۲۰۰۸ شد، بنابراین در سال‌های اخیر با انجام اقدامات مختلف سعی کرده

متن کتاب «تبه‌ری میسان»، نویسنده فرانسوی درباره حادثه ۱۱ سپتامبر

## دروغ بزرگ

با توجه به سوابق و افتخارات AB KKrongard و نزدیکی او به سازمان CIA از یک سو و مدیر عملی او در Deutsche Bank از سوی دیگر، باید تخلفات مالی الکس براون، سرمایه‌دار این بانک در بازار بورس از دید مدیرعامل این بانک و مشاور ارشد CIA مخفی نمی‌ماند او و زودتر از ماموران FBI و گروه تحقیقات IOSCO، گزارش مفصلی از گردش مالی بانک در اختیار مقامات دولتی قرار می‌داد، اما چنین نشد و به طرز مرموزی تحقیقات کمیسیون امنیتی سهام (IOSCO) بی هیچ دستاوردی در نیمه راه رها شد و FBI از تحقیق و بررسی بیشتر در این زمینه دست کشید. پیگیری نقل و انتقالات مالی میان بانک‌ها، برای سازمان‌هایی نظیر FBI و IOSCO کار دشواری نیست، چرا که تمام این مبادلات از طریق ۲ موسسه بزرگ دولتی به طور رسمی پیگیری و ثبت می‌شود، اما وارد شدن FBI و IOSCO به حریم امن Deutsche Bank باعث برملاشدن تمام نقل و انتقالات سری پول‌هایی می‌شد که فقط CIA، مشاور ارشد این سازمان، AB Krongard و Alex Brown، سهامدار اصلی این بانک از آن اطلاع داشتند.

■ **فصل چهارم: لطف و بخشش یا انتقام؟**

زمان: غروب ۱۱ سپتامبر

مکان: کاخ سفید

جورج دبلیو بوش، روزی پرخطر را پشت سر گذارده است و حالا نوبت آن رسیده که در مقام رئیس‌جمهور آمریکا با پیام خود مردم را دلگرم و به آرامش دعوت کند. بوش با لحنی عرفانی و کلامی شمرده پیام تلویزیونی خود را این‌طور آغاز می‌کند:«هدف‌گیری و حمله به آمریکا برای آن است که ما درخشان‌ترین چهرآغ آزادی و فعال‌ترین خالق فرصت‌های پرارزش در جهان هستیم. ملت ما امروز یکی از بلندترین صورت‌های ممکن از خطاهای آمریکا را شاهد بود و آن را با بهترین رفتار آمریکایی پاسخ گفت: با شهامت و از خودگذشتگی گروه‌های نجات، با گذشت و فداکاری افراد گمنامی که با اهدای خون خود و… برای شناسایی عاملان این اعمال غیرانسانی، تحقیقات آغاز شده است. برای تسکین و محاکمه مسببان این حادثه، خواستام که تمام امکانات اطلاعاتی و قضایی بسیج شوند.

از نظر ما هیچ تفاوتی میان عاملان مستقیم این حادثه با کسانی که به نوعی به آنها یاری رسانده‌اند، نیست. امشب از شما تقاضا دارم تا برای قربانیان و بازماندگان عزادار این حادثه دعا کنید. دعا کنید برای کودکانی که دنیای آرام آنها از هم پاشیده شده، دعا کنید برای کسانی که حاشیه امن زندگی آنها مورد تجاوز قرار گرفته است. امیدوارم آنها با پشت‌گرمی به حمایت‌او که از همه ما قدرتمندتر و تواناتر است، آرامش خود را باز یابند. همان طور که در نیایش بیست و سوم از کتاب مقدس آمده، حتی آن زمان که در میان دره‌ای از مرگ و تاریکی قدم می‌گذارم، چون تو مرا هدایت می‌کنی از هیچ چیز هراسی به دل راه نمی‌دهم. اکنون، تمام مردم آمریکا با هر مرام و مذهبی که دارند، با خواست و تصمیم ما در دفاع از آزادی و اجرای عدالت با ما همراه و متحدند. ما بارها دشمنان خود را به پای میز محاکمه کشانده‌ایم و این بار نیز چنین خواهیم کرد. ما این روز را فراموش نخواهیم کرد، کمین در دفاع از آزادی. تا آنجا که عدل و انصاف اجازه می‌دهد، به پیش خواهیم رفت. متشکرم، شب خوش و خدا آمریکار محافظ کند».

اگر چه محتوای پیام بوش دعوت به وحدت و همکاری بود و بیشتر اطرافیان رئیس‌جمهور، حول محور اولین و تنها فرضیه FBI مبنی بر گناهکار بودن اسامه بن‌لادن به توافق رسیده بودند، لیکن نسبت به نحوه برخورد با بن‌لادن و سازمان القاعده، اختلاف نظرهایی بین ۲ جناح میانه رو و تندرو کابینه بوش به وجود آمد. کالین پاول و هارسلتون، رئیس ستاد مشترک سابق از جناح میانه رو بر این عقیده بودند که در برخورد با القاعده و بن‌لادن باید همان سیاست برخورد بیل کلینتون (رئیس‌جمهور سابق) در سال ۱۹۹۸ را در پیش بگیرند. در سال ۱۹۹۸، پس از حمله القاعده به ۲ پایگاه آمریکایی واقع درالاسلام و نایروبی، کلینتون دستور داد پایگاه‌های آموزشی القاعده در افغانستان و مجموعه داروسلزی الشفا در سودان هدف قرار گیرند. این اهداف توسط موشک‌های تاماهاوک و از طریق زیردریایی‌های مستقر در دریای عمان در هم کوبیده شدند. گروه‌های تندرو در دولت بوش، پیشنهاد وزیر خارجه را نپذیرفتند؛ به نظر آنها حملات محدود موشکی به پایگاه‌های القاعده کارساز نبوده و به همین دلیل آنها توانستند بار دیگر علیه ما اقدام کنند.

ادامه دارد